

انگیزه‌های بلاغی حذف فاعل با استناد بر شواهد قرآنی

چکیده:

معجزه نبی اکرم، قرآن کریم، کتابی است که جنبه‌های اعجاز آن بر کسی پوشیده نیست و طی سال‌های متمادی به عنوان مرجع اصلی و منبع علمی پژوهش‌های فقهی، تفسیری، اخلاقی و ادبی واقع شده است. بلاغت کلام وحی، ایراد و مطابقت کلام با مقتضای حال در حالی که الفاظ دارای فصاحت باشند، از اموری است که توجه محققین عرصه ادبیات عرب را به خود جلب نموده است. آنها به منظور اكمال بررسی‌ها و تحقیقات خود به سراغ دانشی به نام علم معانی رفتند که در آن از اسلوب‌های گوناگون سخن، به منظور هماهنگی با مقتضای حال مخاطب سخن به میان آورده است. علمی که به موضوعاتی در ابواب مختلف نظیر اطلاق، تقييد، خبر، انشا و... اشاره نموده است. ذکر یا حذف نیز به عنوان یکی از مباحث علم معانی است که در حیطه‌های مختلف مسند الیه، مسند و قیود مطرح می‌گردد. مسندالیه به عنوان رکن اساسی کلام، گرچه اصل بر ذکر آن است و ذکرش اهدافی را به دنبال دارد لیکن گاهی حذف با انگیزه‌های مختلف، بر ذکر ترجیح می‌یابد. انگیزه‌های نهفته در آیات وحیانی و الهی که به صورت معماواره ذهن مخاطب را درگیر می‌نماید تا در صدد کشف و استخراج انگیزه و اهداف حذف مسندالیه بالاخص فاعل برآید. محققین در صدد هستند بر مبنای شواهد قرآنی انگیزه‌های بلاغی حذف مسندالیه را آن هم در بحث حذف فاعل مورد بررسی قرار دهند.

کلیدواژه: حذف مسندالیه، اغراض بلاغی، نایب فاعل، حذف فاعل .

مقدمه

علم بلاغت، شاخه های علوم ادبی است به معنای مطابقت کلام بامقتضای حال همراه با فصاحت الفاظ که چهاربخش عمده ابعاد بیان و معانی و بدیع و عروض می باشد. (خطیب قزوینی الايضاح فی علوم البلاغه چاپ قاهره ص ۲) علم معانی دانشی است که در آن از حالات گوناگون کلام، به منظور هماهنگی با مقتضای حال مخاطب سخن به میان آورده است. علمی که به تعبیر فواد سزگین، به نحو انشایی تعبیر شده است (دانشنامه اسلامی، wiki.ahlolbait.com) و به موضوعاتی در ابواب مختلف نظیر اطلاق، قصرو حصر، تقييد، خبر، انشا و... اشاره نموده است. آنچه سبب توجه دانشمندان ادیب به این دانش گشته کشف شیوایی و فصاحت کلام الهی می باشد.

ذکر یا حذف نیز به عنوان یکی از مباحث علم معانی است که در حیطه های مختلف مسند الیه، مسند و قیود مطرح می گردد. جمله اعم از اسمیه و فعلیه واجد ارکانی است که از آن تعبیر به مسند و مسند الیه می نمایند. فعل مجهول از اقسام مسند و نایب فاعل از اقسام مسند الیه می باشد. فعل مجهول یکی از ساختارهایی است که با اغراض متعدد در قرآن کریم استعمال دارد. ساختاری که فاعل عبارت محذوف و مفعول ضمن پذیرش اعراب فاعل، جانشین آن شده و نائب فاعل نامیده می شود. گرچه اصل ذکر در فاعل بر حذف ترجیح دارد ولی گاهی انگیزه های حذف از قوت بیشتر نسبت به ذکر برخوردار است لذا حذف ترجیح داده می شود. عبدالقاهر جرجانی در (دلایل اعجاز) حذف را یکی از روش های ظریف و لطیف و شگفت انگیز معرفی می نماید. به تعبیر ایشان گاهی نیاروردن عبارتی از آوردن آن بلیغ ترمی نماید و بیشتر از ذکر فایده می رساند. (عبدالقاهر جرجانی، دلایل اعجاز، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۹، ص ۱۱)

پژوهش حاضر بیان دید گاه های مختلف در مورد حذف فاعل با استفاده از شواهد قرآنی که فعل مجهول به کار رفته است و علل حذف فاعل پر داخته اند. - سبب عدم ذکر فاعل در کلام به دو گونه است: دلیل معنوی، دلیل لفظی.

انگیزه‌های بلاغی حذف فاعل

۱. دلیل معنوی

یکی از دلایل بلاغی حذف فاعل دلیل معنوی می باشد که در ادامه دلایل آن با استناد به شواهد قرآنی بیان می نمایند.

۱.۱. احتراز از عبث :

اجتناب از عبث و بیهوده، یکی از انگیزه‌های بلاغی حذف فاعل است. آن غرض درجائی است که ظاهر کلام به ملاحظه داشتن قرینه، دلالت بر مسندالیه دارد بطوریکه ذکر و حذفش علی السویه است بلکه ذکرش موجب عبث می شود لذا در این مورد آن را حذف می کنند مانند جاء زید و قعد که تقدیرش (جاء زید و قعد زید) است. (سید محمد جواد، ذهنی تهرانی، توضیح المبانی فی شرح مختصر المعانی، ج ۱، ص ۳۲۴)

برای احتراز نمودن از عبث و بیهوده سخن گفتن و این احتراز مبنی بر ظاهر کلام است که بدون ذکر مسند الیه برای معنی مقصود دلالت نمیکند.

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلِ (سوره بقره)

آیا می خواهید از پیامبران همان نوع سوالاتی را کنید که بنی اسرائیل از موسی می کردند؟

فَإِنْ أَحْصَيْتُمْ فَمَا أَسْتَيْسِرَ مِنْ الْهَدْيِ (سوره بقره)

اگر از اتمام بازداشته شدید آنچه از قربانی آسان بود ذبح کنید.

(سید محمد جواد، ذهنی تهرانی، توضیح المبانی جلد فی شرح مختصر المعانی، ج ۱، ص ۳۲۴، ۳۱۹، ناشر مولف، چاپ قم ۱۳۷۰)

۱.۲. مشخص بودن فاعل

نا مشخص بودن فاعل از انگیزه های بلاغی حذف فاعل می باشد. که در آیه شریف زیر فاعل آن نامشخص می باشد.

(مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا) (اسراء ۱۷/۳۳)

هر کس مظلوم کشته شود قطعاً برای ولی او تسلط قرار داده ایم.

در آیه ی شریفه ی بالا فاعل نا مشخص است. در بعضی از روایات یکی از مصادیق ولی حضرت مهدی (عج) شمرده شده که انتقام جد عزیزش امام حسین (ع) را خواهد گرفت.

حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حق قصاص به ولی دم، هم عامل باز دارنده از آدم کشی است و هم باز دارنده از اسراف در قصاص. (تفسیر نور. آیت الله محسن قرائتی)

۱،۳ مشخص بودن مسند الیه برای مخاطب :

از دیگر انگیزه ی بلاغی حذف فاعل بنابر آیات قرآنی مشخص بودن مسندالیه برای مخاطب است. مسندالیه کلامی است که عمل یا صفتی را به وی نسبت دهند یا سلب کنند. (لغت نامه دهخدا، عتی اکبر دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۹۰۳، انتشارات دانشگاه تهران)

فاعل یکی از اقسام مسند الیه است. ذکر فاعل معروف موجب دلزدگی و ملامت در کلام می گردد. بنابراین به منظور جلوگیری از ایجاد احساس نا مطلوب، حذف فاعل تر جیح پیدا می کند. به عنوان مثال خداوند متعال در آیه شریفه ذیل می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ الصَّلَاةُ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذُرُوا الْبَيْعَ (جمعه ۹/۶۲)

ای اهل ایمان! هنگامی که در روز جمعه برای نماز ندا داده می شوید به سوی ذکر خدا شتاب نمایید و سب و تجارت را رها کنید.

هنگام شنیدن بانگ اذان ظهر، به پا داشتن نماز جمعه فرا می خواند که کارهای روزمره و کسب تجارت را فرو نهاده و در اجابت این دعوت الهی بشتابند.

به علت معلوم بودنش به طوری که بدون ذکر نامش معین و مشخص است. (توضیح المبانی فی شرح مختصر المعانی. سید محمد جواد ذهنی تهرانی. ج ۱. ص ۳۲۵)

إِنَّ أَوَّلَ وَضْعٍ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ (آل عمران ۳/۹۶)

اولین خانه ای که بر انسان بنا شد، همان است که در مکه می باشد مایه ی برکت و هدایت جهانیان می باشد.

(فاضل السمرائی، معانی النحو، جلد ۲، ص ۷۱. ناشر دالفکر. عمان-اردن)

و آنچه از آیه مورد بحث بر می آید این است که یهودیان در القای شبهه، نسخ را پیش کشیده بودند و هم شبهه انتساب حکم به ملت ابراهیم را. خانه کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت ساخته شده چون این خانه را ابراهیم ساخت و بیت المقدس را سلیمان بنا نهاد که قرن ها بعد از ابراهیم بوده است. مراد از "وضع بیت" برای مردم، ساختن و معین کردن آن را وسیله ای قرار دهند برای پرستش خدای سبحان، و از دور و نزدیک به همین منظور به طرف آن عبادت کنند، و آثار دیگر بر آن مرتبت سازند. (تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ج ۳، ص ۵۴۱)

۱،۴ اعلام وقوع فعل بر مفعول و عدم تعلق غرض گوینده به فاعل

عدم تعلق غرض گوینده یکی دیگر از اسلوب های بلاغی حذف فاعل می باشد.

وی چه کسی است، بی فایده بودن ذکر فاعل را توجیه می کند. به عبارت دیگر هدف از کلام، صرفا اعلام وقوع فعل است نه آن که فعل از وی صادر شده است.

اِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّتِهِ فَحَيَّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّهَا (۸۶ سوره نساء)

هر گاه به شما درودی گفتند درودی بهتر از آن پاسخ گوئید، یا همان را جواب دهید.

فرمان الهی بر این تعلق گرفته است که هروقت مسلمانی مورد تحییّت و درودی قرار گرفت مثل آن سلام یا بهتر از آن را پاسخ دهد که فرد سلام کننده مورد توجه شارع مقدس نمی باشد، مسلمان یا کافر، بزرگ یا کوچک، سواره یا پیاده از خواص یا عوام، دانشمند و کامل یا نادان و جاهل پس آنچه در این خطاب به صیغه ی مجهول مورد نظراست مخاطب سلام واقع شدن است نه سلام کننده از این رو غرضی در ذکر فاعل وجود ندارد. (الشرطونی رشید، مبادی العربیه الصرف و نحو، قم دارالعلوم، ج ۴ ص ۱۸۸)

اِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ (مجادله ۵۸/۱۱)

ای اهل ایمان! وقتی به شما گفته می شود: در مجلسها جا باز کنید، جا باز نمایید تا خداوند به شما وسعت بخشد.

عمل به یک کار اخلاقی مورد تایید آئین الهی، در جامعه اسلامی قطع نظر از اینکه آمر که باشد، خوب و پسندیده است. (معانی النحو. دکتر فاضل صالح سامورائی. ج ۲. ص ۷۱. ناشر الفکر. عمان اردن)

یکی دیگر از شواهد قرآنی برای این نگیزه بلاغی، در سوره ی انبیاء آیه ی ۳۷ می باشد. خداوند متعال می فرماید: (خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ) انسان از عجله آفریده شده.

دفع فاعل موهوم از دیگر انگیزه های بلاغی حذف فاعل می باشد. موهوم به معنی توهّم شده، هر چیزی که وجود خارجی نداشته باشد. پس به معنی رد کردن هر چیزی که معنی خارجی نداشته باشد. (لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۱۴، ص ۷۲۳)

خداوند در آیه ی شریفه ۱۹ و ۲۰ سوره ی اعراف می فرمایند:

وَنَغْلِبُوا هَنَالِكَ وَتَقْلِبُوا صَاغِرِينَ (۱۹)

آنها در حالی که حیرت زده و مبهوت بودند خوار و ذلیل شدند.

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ (اعراف ۲۰/۷)

ساحران به سجده بر خاک افتادند گویا کسی آنها را به زمین افکنده بود. (ترجمه تفسیر جوامع الجوامع. شیخ حسن طبرسی. جلد ۲. ص ۳۷۲)

آیات بالا مربوط به خنثی شدن کید فرعونیان بوسیله انداختن عصای موسی است. آنجا که با پرتاب این عصا، آن مار عظیم، همه ی وسایل دروغین آنها را به سرعت در بر گرفت و حق آشکار گشت و آنچه ساخته بودند باطل شد.

در تفسیر المیزان آمده است که نفر موده ساحران خود را به سجده انداختند! بلکه فرمود:

ساحران به سجده افتاده شدند تا کمال تاثیر معجزه موسی و خیره شدن ساحران را برسانند، وقتی عظمت معجزه را دیدند آن قدر دهشت کردند که بی اختیار به سجده درآمدند! بطوریکه نفهمیدند چه کسی آنان را به حالت سجده در آورده، لذا خود را نا گریز از ایمان به رب العالمین دیدند و اینکه فرمود :

"رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ" برای این است که دلالت بر اینکه ایمان به خدا توأم با ایمان به موسی و هارون است.

بعضی گفته اند اینکه "رب العالمین" را به رب موسی و هارون توضیح داد برای رفع توهمی بوده که در اینجا به ذهن می رسد برای اینکه فرعون ادعای ربو بیت می کرد!، و می گفت من رب العالمین هستم، با چنین وضعی اگر فقط می گفتند ما ایمان آوردیم به رب العالمین ممکن بود کسی توهّم کند که مقصودشان ایمان به فرعون است لذا برای رفع این توهّم مقصود خود را با جمله رب موسی و هارون توضیح دادند. (تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ج ۸، ص ۲۷۵)

آیه ۳۷ سوره انبیاء

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ

انسان از عجله آفریده شده

علت مجهول آوردن در آیه ی شریفه بالا به خاطر آن است که خداوند کارهای خوب را به خود نسبت می دهد. زیرا او منبع خیر، رحمت، لطف و کرم است. اما کارهای نا پسند را به بندگان نسبت می دهد زیرا این انسان ها هستند که راه راست را رها کرده و به انحراف کشیده می شوند. (رک. سوره نساء آیه ۷۹)

در بیشتر موارد که می خواهد کاری را به انسان نسبت دهد با فعل مجهول شروع به سخن می فرمایند. (مکارم شیرازی. ناصر. تفسیر نمونه. تهران دارالکتب الاسلامیه. ج ۲۵. ص ۱۱۳)

مجهول آوردن کلمه «خلق» برای مبالغه در عجله کردن انسان است چرا انسان برای دیدن عذاب الهی، کشیده شدن به انحراف.... این قدر شتاب کرده و دلائل منطقی و حیاتی انبیاء را نمی شنوند. (محمد قمی مشهدی. کنز الدقائق و بحر الرغائب. موسسه طبع و نشر وزارت ارشاد. ج ۸. ص ۴۱۶)

۱۰.۱. نگران فاعل بودن

نگران فاعل بودن از دیگر انگیزه ی حذف فاعل می باشد که نمونه آن در آیه ی شریفه ی ذیل آمده است. خداوند می فرماید:

پَا اِیْهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ (بقره ۲/۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آوردید! روزه بر شما مقرر شده؛ همانگونه که به کسانی که قبل از شما دند مقرر شد؛ تا پر هیز گار شوید.

یکی دیگر از احکام که از مهمترین عبادات محسوب می شود، روزه است، و با همان لحن تاکید امیز گذشته میگوید: "ای کسانی که ایمان آوردید روزه بر شما نوشته شده است انگونه که بر امتهایی که قبل از شما بودند نوشته شده بود.

و بلافاصله فلسفه این عبادت انسان ساز و تربیت افرین را در یک جمله کوتاه اما بسیار پر محتوا چنین بیان می کند: "شاید پرهیزگار شوید".

اری روزه چنان عامل موثری است دذر پرورش روح تقوا و پرهیزگاری در تمام زمینه ها و همه ابعاد. (تفسیر نمونه. ناصر مکارم شیرازی. ج ۱. ص ۶۲۳)

۱۱.۱. ابی فایده بودن ذکر فاعل و معین نکردن آن برای مخاطب

بیهوده بودن در ذکر فاعل یکی دیگر از اسلوب بلاغی حذف فاعل می باشد، گاهی فاعل مجهول می باشد و متکلم نمی تواند آن را برای مخاطب بیان کند در حالیکه ذکر فاعل برای مخاطب هیچ گونه فایده ای ندارد نمونه آن در آیه شریفه زیر آمده است. (علم آلمانی، عبد العزیز عتیق، ج ۱، ص ۱۲۷)

فاذا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ..... (سوره ی جمعه ۱۰/۱۱)

و چون نماز پایان گیرد در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق.....

جز این نیست که مؤمنین کسانی هستند که زمانیکه به یاد خدا افتادند دل های آنها از خوف می لرزد و موقعی که آیات شریفه بر آنها تلاوت شد درجات ایمان آن ها بالا می رود و ازدیاد پیدا می کند و در کلیه امور توکل بر خدا می کند (اطیب البیان. سید عبد الحسین طیب. ج ۸. ص ۷۵)

ذکر خدا از سوی هر کسی که باشد. در مومن اثر می گذارد. (تفسیر نور. محسن قرائتی. ج ۳. ص ۲۶۸)

دومین دلیل بلاغی حذف فاعل دلیل لفظی می باشد که در ادامه مطلب به آن پرداخته ایم.

۲,۱ حفظ سجع و قافیه

حفظ سجع یکی از دلایل لفظی اسلوب بلاغی حذف فاعل می باشد. "سجع" در لغت به معنی سخن گفتن است و همچنین در قدیم بانگ کبوتر و سخن گفتن به کلامی که آن را فواصل گویند. (لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۶۷۰)

حفظ سجع، به خاطر محافظت کردن بر زیبایی های فنی در لفظ و شیوه های جمله. گاهی اگر بخواهیم فن زیبایی در جمله رعایت کنیم باید حفظ سجع یا قافیه کنیم پس مسند الیه را حذف می کنند تا زیبایی حفظ شود. (معجم النحو، عبدالغنی الدقر، ج ۱، ص ۳۸۶، ناشر مطبعه محمد هاشم الکتابی دمشق_سوریه..... موضوعه النحو و الصرف و الاعراب، امیل یعقوب، ج ۱، ص ۶۶۷)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (زمر ۷/۳۹)

و به هر کس آنچه انجام داده به تمامی داده شود و خداوند به آن چه انجام می دهند آگاه تر است.

با استناد به آیه ی شریفه مذکور می توان ادعا کرد رویداد صر فی فوق متناسب با موقعیت خود در آیه اجرا شده است. با استناد به آیات زیر این زیبایی که حکایت از نوعی "سجع" و به عبارتی "فاصله" دارد، در سوره ی مرسلات این ایده آسانتر دیده می شود:

فاذا النجومُ طُمِسَتْ (۸) و اذا السماءُ فُرِجَتْ (۹) و اذا الجبالُ تُسِفَتْ (۱۰) و اذا الرُّسُلُ أُنْفِثَتْ (۱۱) لای یومِ أُجِّلَتْ (۱۲)

پس آن گاه که ستارگان تاریک شوند (۸) و آنگاه که آسمان شکافته شود (۹) و آنگاه که کوه ها از بیخ بر کنده شوند (۱۰) و آنگاه که برای رسولان تعیین وقت گردد (۱۱) برای چه زمانی تعیین وقت شده است (۱۲)

در آیات فوق شکل ظاهری کلمات پایانی آیه، دلیل بر رعایت موسیقی و آهنگ کلام زیبای خداوند تعالی است، که این همان اثر بلاغت در شیوای کلام و حفظ سجع است.

۲,۲ ایجاز

از دیگر دلیل لفظی در اسلوب بلاغی حذف فاعل ایجاز می باشد. ایجاز در لغت به معنای کوتاه کردن سخن و اختصار نمودن است. از نظر علم بلاغت، آن است که لفظ اندک بود و معنی آن بسیار. (لغت نامه دهخدا، عتی اکبر دهخدا، ج ۳، ص ۳۶۸۴، انتشارات دانشگاه تهران)

از اسلوب لفظی حذف فاعل قصد به ایجاز در آیه شریفه ذیل می باشد. (علم المعانی عتیق عبدالعزیز، ج ۱، ص ۱۲۶، دار النهضة العربیه، بیروت_ لبنان)

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ (نحل ۱۶/۱۲۶)

اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید. (معجم النحو، دقر عبد الغنی، ج ۱، ص ۳۸۶، ناشر مطبعه محمد هاشم الکتبی، دمشق_سوریه)

در آیه ی فوق حذف مسند الیه (فاعل) فقط برای تصحیح نظم آمده است.

الذی یوتی مَالَهُ یَتَرٰکِی (لیل ۱۸/۹۲)

آن کسی که ثروت خود را می بخشد تا پاک شود.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (لیل ۱۹/۹۲)

و حال آنکه هیچ کس بروی حق نعمت ندارد تا به آن پاداش بدهد.

این آیه مضمون آیه قبل را تثبیت می کند، می فرماید و اتقی کسی است که کسی از او طلبی ندارد، و نعمتی، نداده، تا به عنوان تلافی آن مال را که وی انفاق کرده به او داده باشد، پس کسی که مصداق اتقی است مال را برای رضای خدا انفاق می کند. (تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ج ۲۰، ص ۵۱۶) پ

نتیجه گیری

از آنچه که گفته شد چنین می توان نتیجه گرفت، قرآن کریم به عنوان سر سلسله اعجاز قولی، کلام تدوینی خداوند متعال است ، که متناسب با زمان و زمین نزول در قالب ادبیات بشری به زبان عربی نازل گشت .یکی از ویژگی های وحیانی ساختار ادبی که به "بلاغت" تعبیر می شود .یکی از این انگیزه بلاغی حذف می باشد. حذف از اسلوب های مهم و پر کاربرد موجود در قرآن کریم است. حذف فاعل در قرآن نه تنها کو چک ترین خللی در بیان مفهوم و معنا ایجاد نمی کند بلکه با ایجاد قالبی مناسب، معنا را به بهترین شکل و با ظرفیت خاصی به مخاطب می رساند به طوری که اگر محذوف در کلام ذکر شود دیگر زیبایی معنایی مورد نظر نیز از بین می رود.

انگیزه های بلاغی از حذف فاعل در قرآن، تکثیر فائده، احتراز از عبث، حفظ فواصل، تعظیم فاعل و..... می باشد. در هریک از این موارد هر چند ظاهر آیه قالبی موجز دارد، ولی گسترده پیام مورد نظر آن بسیار عظیم است.